

آزمون‌پذیری نظریه کرین برینتون در تحولات انقلابی تونس و مصر

محمدجواد هراتی*

رضا محمدی**

چکیده

پژوهشگران بر این باورند با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی، نظریه برینتون که در تبیین انقلاب‌ها مورد توجه قرار گرفته، با این انقلاب تطبیق چندانی نداشته است. بنابراین پژوهش درباره میزان مطابقت این نظریه با دیگر انقلاب‌ها در جهان اسلام اهمیت دارد. سؤال مقاله حاضر این است که نظریه برینتون تا چه میزان با انقلاب‌های تونس و مصر تطابق دارد؟ نتایج بدست آمده از تطابق دو انقلاب با این نظریه، نشان می‌دهد در مرحله نشانه‌های مقدماتی انقلاب که عبارتند از: رشد اقتصاد، تنازعات طبقاتی، تغییر بیعت روشنفکران، ناکارایی ماشین حکومت، بی‌کفایتی طبقه حاکم پیشین، تا حدودی تبیین کننده وضعیت پیش از انقلاب در دو انقلاب تونس و مصر است، اما در مرحله دوم نظریه برینتون که شامل چارچوب نظری پس از انقلاب است و شامل دوره میانه‌روها، تندروها، عصر وحشت و در نهایت ترمیدور می‌گردد، در نتیجه انقلاب تونس و مصر همگونی چندانی با نظریه برینتون ندارد.

واژگان کلیدی

انقلاب تونس، انقلاب مصر، نظریه کرین برینتون، نشانه‌های انقلاب، دوره‌های انقلاب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

طرح مسئله

تبیین چرایی وقوع انقلاب‌ها کار ساده‌ای نیست و نظریات مختلفی را به‌خصوص در قرن اخیر به‌همراه داشته است. نظریه‌پردازان از رویکردهایی مختلف، در توضیح و تحلیل انقلاب‌ها بهره گرفته‌اند.^۱ اما به‌نظر می‌رسد مطالعه تطبیقی در مورد انقلاب‌ها، به‌طور جدی پس از انقلاب ۱۹۲۱ - ۱۹۱۷ روسیه آغاز گردید. (گلدستون، ۱۳۸۵: ۱۵) متأخرترین این انقلاب‌ها و تحلیل و تبیین درباره آنها، حوادث شمال آفریقا و کشورهای عربی هستند که در سال ۲۰۱۱ روی دادند. این انقلاب‌ها از تونس آغاز و به مصر و دیگر کشورهای عربی گسترش یافت و همه مشخصه‌های سایر انقلاب‌ها را داشت.

نظریه‌پردازان سعی در تبیین این اتفاقات با رویکردهای متفاوتی داشتند که از جمله آنان می‌توان به نظریه‌های نسل اول تا چهارم انقلاب اشاره کرد. همچنین برای تحلیل و تبیین انقلابات عربی، نظریه توسعه نامتوازن هانتینگتون، جانسون، اسکاچپول، جایگاه رهبری، بیداری اسلامی، بررسی مقایسه‌ای، زنان و نظامیان در انقلاب، رسانه و ابزارهای ارتباطی و غیره، تطابق‌پذیری و عدم تطابق‌پذیری آن با این رویدادها، مورد بررسی قرار گرفته و احتمالاً در آینده نیز قرار خواهد گرفت. اما به‌نظر می‌رسد که نظریه‌های تاریخ طبیعی دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ - که برینتون از جمله مشهورترین آنهاست - مغفول مانده و یا کمتر بدان پرداخته شده است. مقاله حاضر نیز سعی دارد به تطابق‌پذیری انقلاب‌های تونس و مصر، با نظریه برینتون بپردازد. با توجه به ویژگی‌هایی که نظریه برینتون در کتاب *کالبدشکافی چهار انقلاب دارد*، این پژوهش سعی می‌کند تا به این پرسش پاسخ گوید که انقلاب‌های صورت گرفته در مصر و تونس تا چه میزان با نظریه کرین برینتون مطابق است؟ با توجه به اینکه نظریه برینتون در بافت اجتماعی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی غرب شکل گرفته است، به‌نظر می‌رسد که این نظریه درباره انقلاب‌های صورت گرفته در دیگر نقاط جهان و علی‌الخصوص منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نمی‌تواند هماهنگ باشد؛ هرچند در پاره‌ای از موارد، تطابق دارد و این پژوهش سعی دارد میزان تطابق‌پذیری و عدم تطابق‌پذیری را به‌بوته آزمایش گذارد.

پیشینه پژوهش

نظریه برینتون از نظریه‌هایی است که از سوی برخی نویسندگان، با انقلاب اسلامی ایران تطبیق داده شده و نقدهایی نیز بدان وارد شده است. شاید از اولین کسانی که اقدام به تطبیق مراحل انقلاب اسلامی با نظریه برینتون نمود، گلدستون در کتاب *مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها* باشد. وی در توضیح روی کارآمدن اصلاح‌طلبان میانه‌رو - که اولین گروهی هستند که زمام دولت را پس از سقوط رژیم پیشین به‌دستی می‌گیرند - می‌گوید: «این اصل بدیهی در انقلاب‌های بزرگ بیش از یک قرن گذشته مشاهده شد و در انقلاب ایران بار دیگر ثابت گردید، به‌طوری که عبدالعلی بازرگان، منتقد میانه‌رو، اولین کسی بود که پس از سقوط حکومت محمدرضاشاه، به ریاست دولت موقت انتخاب شد ... میانه‌روهای قوه مجریه (بازرگان، بنی‌صدر، قطب‌زاده) در تلاش برای حکمرانی بر کشور، با روحانیون اسلامی تندور که توده‌ها را بسیج نموده بودند، به رقابت پرداختند ... در نهایت رهبران تندرو، میانه‌روها را کنار زدند». (گلدستون، ۱۳۸۵: ۱۷)

شاید این امر الگویی برای محققان ایرانی شد که تطبیق یا عدم تطبیق این نظریه با انقلاب اسلامی ایران را به‌بوته نقد بگذارند. به‌طور مثال مقاله «ارزیابی نظریه چرخش انقلاب‌ها و تطبیق آن بر انقلاب اسلامی ایران» از قاسم شبان‌نیا، تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، ضمن تبیین و تحلیل نظریه برینتون، به نقد و ارزیابی و تطبیق این نظریه با انقلاب اسلامی ایران و به‌ویژه با توجه به تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی بپردازد. از منظر نویسنده مقاله، نظریه برینتون با واقعیات انقلاب اسلامی ایران سازگار نیست و پس از چند دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام همچنان بر ارزش‌های انقلابی خود تأکید دارد. «وقوع تحولاتی در لایه‌های زیرین نظام، به‌هیچ‌وجه به‌معنای فراموشی اصول و ارزش‌های انقلابی نیست، بلکه سران نظام همواره درصدد تحقق آرمان‌های انقلاب بوده‌اند. هرچند ممکن است در تشخیص مسیر نیل به این آرمان‌ها دچار اختلافاتی تاکتیکی شده باشند، بنابراین، در انقلاب اسلامی ایران، تاکنون هیچ‌گونه ترمیدوری رخ نداده است و نه مسئولان نظام و نه مردم ایران به سمت ارزش‌های گذشته رژیم پهلوی بازگشت نداشته‌اند». (شبان‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۳۹)

مقاله دیگری که می‌توان از آن نام برد «جایگاه امام خمینی در انقلاب اسلامی براساس نظریه مراحل تحول انقلاب

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به مصطفی ملکوتیان و خرم بقایی و هومن نیری، ۱۳۹۱: ۳۳۴.

بریتون» از هادی راه چمندی و عبدالحسین کلاتتری است. این مقاله نیز براساس چارچوب نظریه بریتون و با روش تحلیل محتوا، مواضع امام را با گروه‌های میانه‌رو، تندرو و عمل‌گرا بررسی کرده است و به این نتیجه رسیده است که: «امام خمینی دارای نقاط اشتراک ناچیز و افتراق فراوان با هر سه گروه میانه‌روها، تندورها، و عمل‌گرایان در چهار انقلاب مورد بررسی بریتون می‌باشد؛ در عین حال بیشتر این اشتراک‌ها نیز جنبه صوری دارد ... بنابراین ایشان را در مجموع نمی‌توان در هیچ یک از این گروه‌ها جای داد». (راه چمندی و کلاتتری، ۱۳۹۲: ۲۴)

همچنین مقاله «بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب نیکاراگوئه» از علی محمد حاضری و صدیقه نوه نجار، براساس تئوری بریتون صورت گرفته است که به نتایج زیر دست یافته است: شرایط اقتصادی توده‌ها در ایران منطبق با تئوری بریتون و در نیکاراگوئه ناقص آن است. همچنین ایران و نیکاراگوئه به لحاظ شرایط سیاسی پیش از انقلاب، منطبق با نظریه بریتون و دارای فقدان کارآمدی رژیم و اراده سرکوب بودند اما با ضعف دستگاه سرکوب همخوانی نداشتند. هر دو انقلاب به یک اتحاد ضدحکومتی و برانداز که مدنظر بریتون است دست یافتند، با این تفاوت که در نیکاراگوئه مارکسیست‌ها و در ایران جریان اسلام فقهاتی به قدرت رسیدند. در مرحله وقوع انقلاب نیز دولت‌های تندرو و میانه‌رو در نیکاراگوئه روی کار آمدند، درحالی‌که در ایران شرکای قدرت به تدریج حذف گردیدند و در هر دو انقلاب تصفیه و کشتارهای خونین، بیشتر از سوی مخالفین حاکمیت و اقدامات تروریستی آنها صورت گرفت. (حاضری و نوه نجار، ۱۳۹۵: ۷۱ - ۷۰)

متأخرترین مقاله‌ای که در این زمینه به نگارش درآمده است، مقاله «واکوی دو انقلاب ایران و مصر در چشم‌اندازی مقایسه‌ای» از علی مرشدی‌زاد و سمیرا محمدی است که به تحولات انقلاب مصر با انقلاب اسلامی ایران براساس نظریه بریتون و با روش مقایسه‌ای پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که: «انقلاب ایران و مصر از لحاظ اقتصادی با نظر بریتون همخوانی زیادی نداشته‌اند و از لحاظ اجتماعی و فرهنگی شباهت‌هایی با نظر بریتون مشاهده می‌شود و پس از انقلاب، حکومت مصر اکثر دوره‌های بعد از انقلاب مدنظر بریتون را طی کرده است، ولی ایران در دوره حاکمیت میانه‌روها متوقف شده است.» (مرشی‌زاد و محمدی، ۱۳۹۷: ۵۳) دلایل نتایج متفاوت در مقایسه انقلاب‌ها باهم و تطابق آن با نظریه بریتون را باید در تفسیر متفاوت از نظریه و تطبیق آن با انقلاب‌ها دانست. با توجه به پیشینه پژوهش و با مطالعه دقیق نظریه بریتون، مقاله حاضر در دو بخش نشانه‌های انقلاب و دوره‌های انقلاب، تنظیم و انقلاب تونس و مصر برای مطالعه تطبیقی انتخاب گردید.

مفهوم انقلاب از منظر بریتون

طبعاً نخستین گام در مطالعه هر پدیده، مفهوم‌بندی آن است. شاید به تعداد اندیشمندی که در مورد انقلاب قلم زده‌اند، تعاریفی از انقلاب ارائه شده است. (مشیرزاده، ۱۳۷۵: ۱۰۸) اما ما قصد نداریم تا تمام تعاریفی که درباره انقلاب را شرح و تبیین نماییم و فقط به تعریف بریتون از انقلاب خواهیم پرداخت. بریتون عقیده دارد که انقلاب واژه دقیقی نیست، اما در واقع انقلاب را در کاربرد همگانی، «دگرگونی شدید و ناگهانی» تعریف می‌کند. (بریتون، ۱۳۶۶: ۱) به عبارت دیگر انقلاب واژگونی‌های بزرگ گذشته در جوامع سیاسی است که پیش از این پایدار بوده‌اند. (همان: ۲) وی انقلاب را چنین تفسیر می‌نماید که: «انقلاب از نظر سیاسی به وخیم‌ترین ناهنجاری‌ها و ناکارایی‌های رژیم پیشین پایان می‌دهد. انقلاب دست‌کم برای مدت زمانی، آن نوع کشمکش داخلی را که حاکمیت دوگانه پدید آورده بود، از میان برمی‌دارد». (همان: ۲۷۹) اما به نظر ما و طبق تعریف بریتون از انقلاب، می‌توان دگرگونی‌های رخ داده در کشورهایی مثل تونس و مصر را در ردیف مفهومی به نام انقلاب تعریف کرد.^۱ چراکه در هر دو کشور، دگرگونی‌های شدید و ناگهانی، به دست جنبش‌های عمومی و از پایین رخ داد و منجر به واژگونی حکومت‌های بن علی طی یک ماه و حسنی مبارک در ۱۸ روز شد، هر چند می‌توان از آنان به عنوان انقلاب ناتمام یاد نمود.

چارچوب نظری

نظریه بریتون را می‌توان جزء نظریه انقلاب‌های کبیر^۲ نامید (کوهن، ۱۳۸۹: ۳۶) که جزء نسل اول نظریه‌های انقلاب با

۱. از یک سوی جک گلدستون از نظریه‌پردازان مشهور انقلاب از حوادث سال ۲۰۱۱ از لفظ انقلاب یاد می‌کند (2011a) درحالی‌که آصف بیات این حوادث را به نام خیزش‌های رهاننده که ذاتاً انقلابی نبودند، و اصطلاح «اصقلاب» به معنای جنبش‌های انقلابی که می‌خواستند نظام را به اصلاح خودش وادارند، می‌نامد. (بیات، انقلاب بی‌همگام)

2. Graet Revolution.

عنوان «مکتب تاریخ طبیعی» در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ به بررسی مقایسه‌ای مشهورترین انقلاب‌ها اعم از انقلاب‌های انگلیس، آمریکا، فرانسه و روسیه پرداختند. این نظریه‌ها که مشهورترین آنها از آن کرین بریتون در کتاب *کالبدشکافی چهار انقلاب* است، توصیفی درباره انقلاب است. (گلدستون، ۱۳۸۵: ۱۵) این آثار به دنبال استخراج الگوهای مشترک وقایع و فرایند انقلاب‌ها، از ابتدای شکل‌گیری تا پیامدهای آنها بودند، بدون اینکه به علل انقلاب‌ها، به‌طور مشخص، بپردازند. (Goldstone, 2001) همچنین این نظریه‌ها، به‌رغم آنکه اطلاعات را برای محققین این حوزه فراهم آوردند، از رهیافتی سود می‌جستند که عمدتاً جنبه توصیفی داشت و تحلیل‌های آنها فاقد مبانی نظری منسجم و قابل اتکا بود (ملکوتیان، ۱۳۹۴) و برای تبیین یا بیان چرایی انقلاب‌ها ناکافی بودند. (مشیرزاده، ۱۳۷۵: ۱۱۷) تئوری بریتون را می‌توان از تئوری‌های روانشناسانه‌ای که به رفتار توده‌ها می‌پردازند قلمداد نمود که به «تئوری‌های توقعات فزاینده» مشهورند. این تئوری‌ها به وسیله توکویل در جریان بررسی انقلاب فرانسه مطرح شد و طی دهه ۱۹۳۰ با اثر کرین بریتون جانی تازه یافت. (کوهن، ۱۳۸۹: ۲۲۲)

بریتون با بررسی چهار انقلاب، دریافت که نشانه‌های مقدماتی انقلاب چندان متعدد و متفاوتند که به‌هیچ‌روی نمی‌توان به‌سادگی آنها را در یک الگو ترکیب کرد، اما وی بر این عقیده است که انقلاب همچون یک علامت قابل تشخیص وقوع بیماری به‌شمار می‌آید. (بریتون، ۱۳۶۶: ۳۲ - ۳۱)

نشانه‌های مقدماتی انقلاب: از نظر بریتون نشانه‌های مقدماتی انقلاب به‌صورت خلاصه چنین است: نخست آنکه همه این جوامع پیش از فرارسیدن انقلاب، در مجموع از نظر اقتصادی رشد داشتند و بی‌گمان این انقلاب‌ها با مردم بی‌سواد و گرسنه و بی‌چیز آغاز نگشته‌اند. دوم آنکه در جامعه پیش از انقلابی، تنازعات طبقاتی بسیار سخت و مشخص می‌یابیم و احتمالاً انقلاب در زمانی روی می‌دهد که طبقات تا اندازه قابل توجهی به هم نزدیک می‌شوند. سوم اینکه در جوامع ماقبل انقلابی، تغییر بیعت روشنفکران وجود دارد. این از برخی جهات موثرترین نشانه مقدماتی انقلاب است. چراکه این تغییر نشانه کارکردهای غلط رژیم است. به تعبیری روشنفکران، از حمایت رژیم دست برمی‌دارند، به نوشتن مطالب انتقادی در محکومیت رژیم می‌پردازند و خواستار اصلاحات اساسی می‌شوند. (گلدستون، ۱۳۸۵: ۱۵) چهارم اینکه ماشین حکومت تاحدی به‌خاطر غفلت و تا اندازه‌ای به‌خاطر عدم توفیق در دگرگون ساختن نهادهای پیشین و نیز به‌دلیل رویارویی با شرایط جدید، به وضوح ناکارا است. پنجم اینکه طبقه حاکم پیشین، روشنفکر و انسان‌دوست می‌شود و به‌سوی گروه‌های مهاجم روی می‌آورد و درست قبل از سقوط رژیم، تلاش می‌کند با انجام اصلاحات اساسی یا صوری انتقادات را فروشانند (همان: ۱۶)، ولی طبقه حاکم پیشین، از نظر سیاسی بی‌کفایت می‌شود و ناکارایی و بی‌کفایتی ساخت حکومتی جامعه، در نخستین مراحل انقلاب آشکار می‌گردد. بنابراین آغاز ناگهانی انقلاب از ضعف یا فلج کامل دولت ناشی می‌شود و نه از قدرت‌گیری ناگهانی انقلابیون. حکومت‌ها کوشیدند از زور (به‌منظور جلوگیری از اوج گرفتن هیجان‌ها برای براندازی حکومت) استفاده کنند. هیچ حکومتی در محدوده سرزمین خویش سرنگون نمی‌شود، مگر آنکه توانایی آن حکومت در کاربرد شایسته قدرت‌های نظامی و انتظامی سست گردد. (بریتون، ۱۳۶۶: ۲۹۵ - ۲۹۲)

در مجموع، علامت‌های انقلاب از منظر بریتون را می‌توان در قالب نمودار زیر به‌نمایش گذاشت:



نمودار (۱): نشانه‌های انقلاب

مراحل انقلاب: در مرحله بعد از پیروزی انقلابیون بر رژیم سابق، مخالفان انقلابی به سرعت وحدت خود را از دست می‌دهند. (گلدستون، ۱۳۸۵: ۱۷) برینتون چهار مرحله را برای چهار انقلاب مورد مطالعه خود در نظر می‌گیرد؛ اما وی گروه‌های دخیل در انقلاب (محافظه‌کاران، میانه‌روها، ریشه‌گرایان و تندروها) را گروه‌هایی مشخص با مرزهای روشن نمی‌داند و بر این عقیده است که انتقال قدرت از یک جناح به جناح دیگر نیز غالباً با رویداد منحصر به فردی همراه نیست که همگان درباره آن توافق داشته باشند. در ادامه به تشریح این مراحل خواهیم پرداخت.

میانه‌روها: از منظر برینتون دوره میانه‌روها ویژگی‌هایی دارد که به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: اول آنکه آنان ثروتمند و شناخته شده و بلندپایه بودند و تنها از اینان انتظار می‌رفت که دولت را از دست رژیم پیشین بگیرند و پس از به‌قدرت رسیدن، هم‌آهنگی و انضباط حزبی کمتری از خود نشان دهند و درصدد بازسازی حکومت براساس اصلاحات معتدل هستند و غالباً آشکال سازمانی برجای مانده از رژیم پیشین را به‌کار می‌گیرند. (همان: ۱۷) دوم اینکه آنان با دشمنان مسلح روبه‌رو شدند و به‌زودی خود را در یک جنگ خارجی یا داخلی یا هر دو آنها درگیر یافتند. سوم اینکه آنها گروه نیرومند و نافرمانی از ریشه‌گرایان و تندروها را در برابر خویش یافتند که پیوسته می‌گفتند میانه‌روها می‌کوشند تا انقلاب را متوقف سازند و به‌سازش کشانند. در نهایت میانه‌روها شکست خوردند؛ زیرا از بسیاری جهات به اصطلاح معمول کلمه واقع‌بین و همگی خواستار سازش، عقل سلیم، بردباری و آسایش بودند. (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۷۳ - ۱۴۵)

تندروها: ویژگی‌های حکومت تندروها، عبارت است از: اول جنگ‌های خیابانی، تصرف دارایی‌های دیگران به‌زور، بحث‌های داغ تقریباً همه‌گیر، سرکوبی‌های تدارک دیده شده و رشته پیوسته‌ای تبلیغات شورش‌آمیز. دوم: انضباط، یگانه‌اندیشی و تمرکز اقتدار از نشانه فرمانروایی تندروهای پیروز است. سوم: در این مرحله از انقلاب، هیچ‌یک از ریشه‌گرایان پیروز، جرأت توسل به آرای عمومی را به‌خود نمی‌دهند. چهارم: تندروها نه‌تنها شمارشان کم است، بلکه خود را متعصبانه وقف علایقشان می‌کنند. پنجم: تندروها با چنان سرسپردگی و یگانگی از رهبر کارآمد خود پیروی می‌کنند که هرگز در میانه‌روها نمی‌توان یافت. این رهبران از صبغه واقع‌بینانه و عملی برخوردارند. در نهایت، تندروها همه گروه‌های متنازع مهم را از صحنه خارج کردند و با برقراری یک نظام متمرکز حکومتی، پایگاه خود را استوار ساختند. (همان: ۲۰۵ - ۱۷۴)

عصر وحشت: ویژگی‌های عصر وحشت از منظر برینتون این‌گونه است اول: در این دوره فشار فوق‌العاده‌ای بر مردم تحمیل می‌شود و جامعه با یک بحران اقتصادی شدید همراه است. دوم: سستی‌های طبقاتی به‌صورت‌های گوناگونی نمایان می‌شود. سوم: رهبران ساخته شده‌اند تا کار را به افراط کشانند و در نهایت در این دوره، کوشش‌های قهرمانانه‌ای انجام می‌گیرد تا یک‌باره و برای همیشه شکاف میان طبیعت بشری و آرزوهای بشری از میان برداشته شود. (همان: ۲۳۷ - ۲۱۱)

ترمیدور: برینتون بر این اعتقاد بود که باید در بررسی‌های خود پس از عصر وحشت، دوران ترمیدور را مورد توجه قرار داد؛ دورانی که می‌توان آن را دوران «نقاهت پس از فرونشستن تب انقلاب» دانست. البته برینتون تصریح می‌کند که با این تعبیر، قصد «نوعی تمجید از واکنش ترمیدوری» را ندارد و نباید از این تعبیر او، برداشت ستایش‌آمیزی داشت. ویژگی‌های این دوره عبارتند از: اول: استقرار نهایی یک خودکامه، به‌همان معنای یونانی‌اش و یک فرمانروایی غیرقانونی که انقلاب او را به‌قدرت می‌رساند. دوم: اینکه در هر چهار انقلابی که برینتون مورد مطالعه قرار داده است، چنین دورانی تحقق یافته است و همه این انقلاب‌ها دچار چرخش و دور گردیده‌اند. (همان: ۲۷۵ - ۲۴۱)

در مجموع روند انقلاب از منظر برینتون را می‌توان در قالب نمودار زیر به‌نمایش گذاشت:



نمودار (۲): دوره‌های انقلاب

تعمیم نظریه برینتون با انقلاب‌های تونس و مصر

۱. نشانه‌های انقلاب در تونس

بر اساس نظریه برینتون، انقلاب در جوامعی رخ می‌داد که پیش از فرارسیدن آن، در مجموع از نظر اقتصادی رشد داشتند. اگرچه اقتصاد تونس در سال ۲۰۱۰ ضعیف توصیف شده است (Achy: 2011) اما در مجموع پیش از انقلاب، این کشور، چهار دهه رشد ۵/۴٪ سالانه تولید ناخالص داخلی را به دست آورد. (Tunisian Economy 2012) اقتصاد تونس در دهه پیش از انقلاب، به‌طور پیوسته رشد کرده بود، پس از اصلاحات بن‌علی، تونس دسترسی گسترده و بیشتری به اروپا یافت. با این حال، ثروت در دست ثروتمندان متمرکز و عمدتاً در دست بن‌علی، خانواده‌اش و نزدیکترین همکارانش بود. (Thorne, 2011) در مجموع رشد اقتصادی تونس گسترده و چشمگیر بوده است. (زکریا، ۱۳۸۴: ۹۱)

مشخصه دیگر انقلاب تونس که با نظریه برینتون همخوانی دارد، اختلافات طبقاتی بود. از منظر برینتون «در رژیم‌های پیشین، احساسی از بی‌زاری آمیخته یا ناآمیخته با تحقیر، نسبت به گروه‌های دیگر پروراند شده بود که برینتون این گروه‌ها را طبقات می‌داند.» (برینتون، ۱۳۶۶: ۵۹) یکی از دست‌اوردهای رشد اقتصادی در دوره بن‌علی، ثروتمند و به تبع آن فاسد شدن طبقه حاکم بود و این امر باعث شکاف طبقاتی بین طبقه حاکم و دیگر طبقات می‌گردید. از سوی دیگر رشد اقتصادی در این دوره باعث گسترش قابل توجه طبقه متوسط شد. (کولایی و حضرت پور، ۱۳۹۳: ۲۱) در تونس، طبق برخی برآوردها، طبقه متوسط ده برابر شده بوده و بیش از نیمی از جمعیت را دربر می‌گرفت. (زکریا، ۱۳۸۴: ۹۱) جوانان و طبقات متوسط محروم از موقعیت‌های اقتصادی مردم تونس، که به‌عنوان یک گروه، از نظام حاکم بیزار بودند، توانستند گروه‌های بزرگی از جمعیت را علیه رژیم اقتدارگرایی که طی چند دهه تحت آن قرار داشتند، بسیج کنند (Fuhrer, 2013: 104) بنابراین با طیف وسیعی از کارگران، دانشجویان، وکلا و معلمان، اتحادیه‌های اسلام‌گرا و کارگری، شهروندان روستایی و ساکنان شهرهای بزرگ، انقلاب پیروز شد. (Goldston: 2011b)

تغییر بیعت روشنفکران، از دیگر ویژگی‌های نظریه برینتون، پیش از انقلاب بود. روشنفکران در نظریه برینتون، گروهی بودند که درباره نقاط قوت و ضعف جامعه خود تأمل کرده و راجع به مسائل جامعه می‌اندیشند و در پی ارائه جایگزین الگویی غیر از الگوی موجود هستند. مصداق روشنفکران را می‌توان در روزنامه‌نگاران، نمایندگان نویسندگان، مقاله‌نویس‌ها، معلمان، روحانیون، حقوقدانان و اعضای تحصیل کرده بوروکراسی مشاهده نمود. (گلدستون، ۱۳۸۵: ۱۵) به‌نظر می‌رسد که جوانان تحصیل کرده انقلابی تونس را می‌توان جزء دسته روشنفکران مدنظر برینتون دانست. جوانان در حدود ۱۹ درصد جمعیت تونس را تشکیل می‌دادند که بیکار و محروم از حق رأی، اما نقشی نیرومند در انقلاب داشتند و خواستار تغییر وضع موجود بودند. (Fuhrer, 2013) و مطالبات آنان برای کسب شأن و عزت اجتماعی و خشم روشنفکران، علت انقلاب بود. (آل‌ترمن، ۱۳۹۰: خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۶ آبان ۱۳۹۵، کد خبر: ۸۲۲۹۷۲۲۴)

ویژگی دیگر نظریه پیشانقلابی برینتون، ناکارایی دستگاه حاکمه بود که با گسترش ابعاد تظاهرات و برخوردهای خشن پلیس و نیروهای امنیتی، خود را نشان داد. برینتون بر این عقیده می‌باشد که کوشش‌های مستبدانه حکومت در سرکوبی جبهه مخالف شورش با شکست روبه‌رو شد. (برینتون، ۱۳۶۶: ۸۲) انقلاب تونس آغاز مبارزه گسترده برای برابری، رفاه اجتماعی، مبارزه با استبداد و حکومت استبدادی و عدالت در جهان عرب بود. رژیم بن‌علی مخالف انتخابات بود و رسانه‌ها را کنترل و مخالفان را تهدید می‌کرد، به این ترتیب واضح است که بن‌علی از طریق حکومت طولانی خود و اقدامات ناعادلانه، سقوط خود را حتمی کرد و مردم را بر علیه خود شوراند. (Fuhrer, 2013: 38-37) بنابراین همان‌طور که برینتون اشاره کرده بود: «همه این انقلاب‌ها به نام آزادی برپا شده بودند و همگی علیه خودکامگی اقلیت و به‌سود فرمان‌روایی اکثریت جهت گرفته بودند.» (برینتون، ۱۳۶۶: ۲۸۱) در انقلاب تونس نیز، تمرکز قدرت سیاسی و عدم گردش نخبگان، یکی از زمینه‌های شکل‌گیری ناراضی‌ت در این کشور را فراهم نموده بود. (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۲۸) همان‌طور که بیان شد، برینتون عقیده داشت که حکومت‌ها می‌کوشند از زور به‌منظور جلوگیری از اوج گرفتن هیجان‌ها برای براندازی حکومت استفاده کنند. استفاده از نیروی ارتش یکی از اشتباهات بن‌علی بود؛ زیرا ارتش از مردم در برابر پلیس حمایت کرد. بن‌علی به فرمانده ارتش دستور تیر داد، اما رشید عمار از این دستور سرپیچی کرد و بن‌علی او را وادار به استعفا کرد و پس از چند روز دوباره رشید عمار را منصوب کرد و این اقدام تزلزل نظام بن‌علی را بیش از پیش آشکار نمود. (همان: ۳۳)

در نهایت طبق نظریه بریتون، طبقه حاکم پیشین، روشنفکر و انسان‌دوست می‌شوند و به‌سوی گروه‌های مهاجم روی می‌آورند. بن‌علی ابتدا سعی کرد، همانند همه دوران دو دهه قدرت خود، از نیروهای امنیتی برای سرکوب تظاهرات رو به گسترش استفاده کند. ارتش تونس به خیابان‌ها آمد، اما نه تنها دست به سرکوب و مقابله با مردم نزد، بلکه در موارد بسیاری نقش حائل بین نیروهای امنیتی و تظاهرکنندگان را بازی کرد. در نتیجه، بن‌علی روز ۲۳ دی ۱۳۸۹ (۱۳ ژانویه ۲۰۱۱) در یک سخنرانی خطاب به مردم تونس سعی کرد با دادن وعده‌هایی، خشم ملت را فرو بنشانند. وی در این سخنرانی قول ایجاد ۳۰۰ هزار شغل جدید، آزادی بازداشت شدگان، عدم نامزدی برای دوره‌های بعدی ریاست جمهوری و بازخواست مسئولان فاسد اقتصادی را داد و دستور توقف شلیک به تظاهرکنندگان را نیز صادر کرد؛ اما این وعده‌ها مورد پذیرش مردم تونس قرار نگرفت و بن‌علی روز ۲۴ دی ۱۳۸۹ (۱۴ ژانویه ۲۰۱۱) مجبور شد، پس از ۲۳ سال حکمرانی، از تونس فرار کند و به عربستان سعودی پناهنده شود. (Schiller: 2011)

۲. نشانه‌های انقلاب در مصر

مصر نیز همچون تونس، رشد اقتصادی نسبتاً بالایی را در سال‌های منتهی به انقلاب، تجربه کرده بود (Fuhrer, 2013: 60) در مصر، همچون تونس، یکی از دستاوردهای رشد اقتصادی در دوره حسنی مبارک، ثروتمند و به‌تبع آن فاسد شدن طبقه حاکم بود. فساد اقتصادی گسترده در میان خانواده مبارک و نخبگان وابسته، بسیار گسترده بود و گفته می‌شود که این خاندان ثروت نجومی را در اختیار داشتند و ۳۹ مسئول بلندپایه یا تاجر نزدیک به جمال مبارک، پسر مبارک، هر کدام بیش از یک میلیارد دلار ثروت داشتند. (Goldston: 2011a) این در حالی است که از نظر جمعیتی، مصر در سال‌های منتهی به ۲۰۱۱، حدود ۴۵ میلیون جوان زیر ۳۵ سال داشت که با چالش‌هایی چون بیکاری و فقر گسترده مواجه بودند. برخی تحلیل‌گران اوضاع اجتماعی مصر در سال‌های اخیر، بر نهادینه شدن فساد، رشد معنادار میزان جرایم، بی‌اعتنایی عمیق به کرامت انسانی و افول ارزش‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند. گذشته از این، هزاران کودک پنج یا ۶ ساله در کوچه‌های کثیف و گوشه کناره‌های شهر و در زیر پل‌ها زندگی می‌کردند و به دست‌فروشی در کنار چهارراه‌ها مشغول بودند. (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۵۳ - ۵۲) در نتیجه، قبل از انقلاب (۲۰۱۱)، شرایط زندگی برای طبقه غیر از حاکمیت، به‌طور متوسط ضعیف بوده و موجب ناراضی عمومی شده بود. همچنین طبق آمارهای رسمی، نرخ بیکاری در میان جمعیت زیر ۳۰ سال، ۲۱ درصد بود و همین مسئله شرایط دشوار اقتصادی را در این کشور ایجاد کرده بود. (Osama, 2010: 199) بنابراین و با این وضعیت، به جز طبقه حاکم، همه طیف‌های اسلام‌گرایان و سکولارها، ساکنان شهر و روستا، کارگران، دانشجویان، معلمان، وکلا و سربازان، به پیروزی انقلاب کمک کردند. (Goldston: 2011b)

تغییر بیعت روشنفکران در انقلاب مصر را - هم‌چون انقلاب تونس - باید در اعتراضات جوانان، موسوم به «جوانان ۶ آوریل» جستجو نمود. هسته اولیه و اصلی انقلاب مصر را جوانان عضو فیس‌بوک، با حداکثر ۲۵ سال سن تشکیل می‌دادند که همگی عضو صفحه «همه ما خالد هستیم» بودند. شعارهای این جوانان عمدتاً حقوق بشری و دموکراسی خواهانه بود. (فراست‌خواه، ۱۳۹۰) اما با بازگشت البرادعی (رهبر انجمن ملی برای تغییر) و نیز اعلام مشارکت اخوان‌المسلمین در تظاهرات، دو جریان دیگر نیز در کنار جوانان ۶ آوریل، نقش سازمان‌دهنده اعتراضات را داشتند. (احمدیان، ۱۳۹۰) مرگ جوانی ۲۸ ساله بنام خالد سعید که در اثر ضرب و شتم پلیس کشته شد، مانند خودسوزی محمدبوعزیزی - جوان تونسی در ۲۶ آذر ۱۳۸۹ - (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۳۲)، جرقه‌ای برای شکل‌گیری اعتراضات انقلابی بود. خالد سعید در هنگامی که در کافی‌نت، در حال انجام کار خود بود، براساس قانون فوق‌العاده مورد تفتیش و ضرب‌وشتم قرار گرفته و کشته شد. (همان: ۵۵)

ناکارایی دستگاه حکومت در مصر را باید در ویژگی‌های ساختار سیاسی دوران مبارک جستجو کرد که عبارت بودند از: فرسودگی حکومت، عدم گردش نخبگان، شخصی بودن قدرت و سرکوب سیاسی (همان: ۵۴) که با انقلاب مصر، حکومت اقتدارگرای مبارک، ناکارآمدی خود را نشان داد و چاره را در روی آوردن به گروه‌های انقلابی دید. مبارک در روز ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱ در مقابل مردم خود سخن گفت و امیدوار بود که دولت را ترک کند و دولت جدید را تشکیل دهد. (Fuhrer, 2013: 53) فرار نیروهای امنیتی و ناتوانی پلیس در کنترل پایتخت و دیگر شهرهای بزرگ مصر که به وارد کردن ارتش به خیابان‌ها انجامید، از سوی معترضان به‌عنوان نشانه‌ای بر ضعف و ناتوانی نظام در مقابل تظاهرات معترضان تلقی شد. به‌همین دلیل از

زمان ورود ارتش مصر به شهرها، تظاهرات و اعتراضات، شدت بیشتری به خود گرفت. (احمدیان: ۱۳۹۰) ارتش مصر نیز در همان نخستین روزهای آغاز تجمعات اعتراض آمیز یعنی اول فوریه ۲۰۱۱، با صدور بیانیه‌ای رسمی اعلام بی‌طرفی نمود و اطمینان داد علیه تظاهرکنندگان به زور متوسل نخواهد شد. (پورسعید، ۱۳۹۰: ۱۷۳) ارتش مصر بر مبنای قرارداد کمپ دیوید، سالانه کمک‌های مالی قابل توجهی را به‌طور مستقیم از ایالات متحده دریافت می‌کند که براساس آن می‌تواند از نوعی استقلال نسبی برخوردار شود. این ویژگی باعث شد، هم فرماندهی ارتش مصر و هم ایالات متحده، برخلاف مبارک، چاره کار را اعلام بی‌طرفی ارتش از همان روزهای نخست ببینند. (همان: ۱۷۴) در نهایت، اختلاف میان ارتش و مبارک، به انقلاب شدت بخشید و سقوط مبارک، با فشار ارتش صورت گرفت. (احمدیان: ۱۳۸۹)

جدول (۱): نشانه‌های انقلاب در کشورهای تونس و مصر

موردها	نشانه‌های انقلاب					رخداد
	رشد اقتصادی	تنازعات طبقاتی	تغییر بیعت روشنفکران	ناکارایی ماشین حکومت	بی‌کفایتی طبقه حاکم پیشین	
تونس	*	۱	۱	۱	۱	۱
مصر	۱	۱	۱	۱	۱	۱

دوره‌های انقلاب در تونس

همان‌طور که بیان شد، در مرحله بعد از پیروزی انقلابیون بر رژیم سابق، بریتون چهار مرحله را برای چهار انقلاب مورد مطالعه خود در نظر می‌گیرد. دوران میانه‌روها، تندروها، عصر وحشت و دوران ترمیدور.

به‌نظر می‌رسد، ابتدا این میانه‌روها بودند که در تونس قدرت را در دست گرفتند. چند ساعت پس از خروج زین‌العابدین بن‌علی، محمد الغنوشی، نخست وزیر تونس اعلام کرد که براساس ماده ۵۶ قانون اساسی، رئیس جمهور موقت تونس می‌باشد. این امر با اعتراضات گسترده‌ای مواجه و در نتیجه در ۱۵ ژانویه اعلام شد که براساس ماده ۵۷ قانون اساسی، فواد المبرغ، رئیس پارلمان این کشور، رئیس جمهور موقت تونس می‌باشد. وی نیز محمد الغنوشی را مأمور تشکیل کابینه کرد. (احمدیان، ۱۳۹۰)

بریتون معتقد است: «چند صبحی پس از واژگون گشتن رژیم پیشین، نشانه‌های آشکاری پدیدار شد، دال بر اینکه انقلابیون پیروز، بر سر آنچه باید برای بازسازی کشور انجام داد، اتفاق نظر ندارند.» (بریتون، ۱۳۶۶: ۱۴۵) در تونس نیز اعتراضات مردمی به‌خصوص پس از اعلام دولت وحدت ملی الغنوشی ادامه یافت. خواسته اصلی معترضان، حذف کامل چهره‌های سیاسی دوره بن‌علی، از جمله شخص محمد الغنوشی بود. (احمدیان، ۱۳۹۰) از سوی دیگر، جنبش‌های سلفی تندرو، که تحت حمایت عربستان قرار داشتند، در این کشور رشد یافتند و فعالیت آن‌ها، ناامنی‌های گسترده‌ای در تونس ایجاد کرد. (خبرگزاری فارس، ۱۵ بهمن ۱۳۹۱) پس از کشته شدن نمایندگان پارلمان - «شکری بلعید» و «محمد براهمی» - توسط گروهکی سلفی، میانه‌روها روش خود را تغییر دادند و اعلام کردند: «هرکس قانون را نقض کند و به مردم و دارایی‌ها تجاوز نماید، باید بدون درنظر گرفتن وابستگی سیاسی‌اش مجازات شود.» (گروه نویسندگان: ۱۳۹۳)

همچنین طبق نظریه بریتون که معتقد بود در دوران میانه‌روها، افراد ثروتمند و شناخته شده و بلندپایه، دولت را در دست می‌گیرند، در تونس نیز با کناره‌گیری الغنوشی، دولت موقت تونس به ریاست باجی سیدالسبسی ۸۴ ساله شکل گرفت. السبسی به‌خاطر استقلال عمل و سابقه حرفه‌ای، مورد احترام مردم بود (Schiller: 2011) و به‌عنوان وزیر امور خارجه در دوران حبیب بورقبیه فعالیت می‌کرد. السبسی کابینه خود را «کابینه تکنوکرات‌ها» نامید که هیچ عضوی از رژیم گذشته در آن حضور نداشت. (طالبی، ۱۳۹۱: ۲۴۶)

در کل دو نیروی اصلی برای کسب قدرت در تونس وجود داشت که به‌نظر می‌رسد هر دو میانه‌رو بودند. نخست گروهی که می‌خواست دگرگونی‌های سیاسی در چهارچوب محدودی باقی بماند و در مقابل گروهی که اکثراً نماینده اپوزیسیون بودند و اعتقاد داشتند که تنها راه خروج از بحران و نجات تونس، انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی گسترده و تأسیس یک

دموکراسی واقعی می‌باشد. (احمدیان، ۱۳۹۰) از دیگر گروه‌های میانه‌رو انقلاب تونس، می‌توان به حزب اسلام‌گرای النهضه اشاره کرد که توانست در انتخابات مجمع ملی مؤسسان تونس، ۴۱ درصد آرا را به‌دست آورد و ۹۱ کرسی از ۲۱۷ کرسی مجمع مؤسسان را کسب کنند. (Maria Torelli, 2012: 65) این حزب از نظر فکری به میانه‌روی و تساهل معروف بود و از دموکراسی چند حزبی، حقوق شهروندی و آزادی اندیشه حمایت می‌کرد.

همان‌طور که بریتون اشاره کرده است، دولت میانه‌روی منتخب جدید، با چالش‌های فوری ثبات اقتصادی مواجه شد و به‌قول گلدستون: متأسفانه انقلاب‌ها نمی‌توانند مشکلات اقتصادی، مسئله رشد و کاهش نابرابری را حل کنند. (گلدستون، ۱۳۹۷: ۲۸۶) اعتراضاتی که پس از این انقلاب‌ها جریان داشت، بیش از هر چیز منشأ اقتصادی داشت. در واقع فساد در تونس و مصر حل نشده و بیکاری همچنان دو رقیب باقی مانده است. مردم به‌خصوص درباره سرکوب و عدم وجود حقوق سیاسی شکایت دارند. فساد و بیکاری در هر دو کشور همچنان افزایش می‌یابد و به مراتب بالاتر از میانگین ۱۸ ساله است. (Mourdoukoutas 2017) دولت تونس به‌دلیل مشکلات اقتصادی، باید کسب‌وکار و سرمایه‌گذاران را ثبات دهد، بودجه و کسری حساب جاری را تأمین و تحت کنترل درآورد، نظام مالی کشور را خنثی کند، بیکاری بالا و تفاوت‌های اقتصادی میان منطقه ساحلی توسعه یافته و فقر داخلی را کاهش دهد. (Tunisian Economy 2012) نمودار زیر رتبه‌بندی فساد و نرخ بیکاری و سهولت فعالیت اقتصادی و میانگین آنها را بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ م به نمایش می‌گذارد که در هر سه شاخصه، پس از انقلاب، رشد داشته است.

جدول (۲): میانگین رتبه‌بندی فساد، نرخ بیکاری و سهولت اقتصادی در تونس

سال	رتبه‌بندی فساد	نرخ بیکاری (%)	سهولت فعالیت اقتصادی
۲۰۱۰	۱۷,۵۹	۱۲,۸	۴۰
۱۰۱۶	۷۵	۱۵,۵	۷۷
میانگین 1998-2016	۵۴,۷۴	۱۰,۸۹	۶۱,۶۷

منبع: Tradingeconomics.com 5 / 16 / 17

در نهایت این انقلاب با وجود دست‌اوردهای خوبی که برای مردم تونس داشت، هنوز نتوانسته است بسیاری از مشکلات و دغدغه‌های فکری مردم را حل کند. مردم تونس هنوز هم از برخی شرایط حاکم بر کشورشان ناراضی هستند و امید به حل مشکلات در این زمینه‌ها دارند.

- افزایش قیمت برخی کالاهای اساسی.

- افزایش بیکاری.

حمله تروریست‌ها به گردشگران که موجب فرار گردشگران از تونس شد و این در حالی بود که صنعت گردشگری سودآوری زیادی برای تونس و مصر داشت و شمار زیادی از مردم این کشور در این بخش مشغول فعالیت بودند.

علاوه بر این، تحصن‌ها و تجمع‌ها و اعتراض‌های پیاپی نیز در برخی بخش‌های اقتصادی این کشور مانند تولید فسفات و نفت، تأثیر منفی برجا گذاشته است.

گسترش فساد: یکی دیگر از مشکلاتی است که تونس همانند بسیاری دیگر از کشورها از آن رنج می‌برد، فساد است. باید توجه داشت که یکی از انگیزه‌ها و دلایل مردم برای قیام ضد نظام بن علی، گسترش فساد در این کشور بود.

به‌طور کلی می‌توان گفت که تونس در بخش اقتصادی، همچنان با مشکلات زیادی مواجه است که حل آن، نیازمند تلاش بیشتر مسئولان و مردم این کشور است. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶، کد خبر 82795421، www.irna.ir)

در نهایت به‌نظر می‌رسد که انقلاب تونس، بدون داشتن دوران حکمرانی تندروها و عصر وحشت که هیچ نبرد خونینی در این کشور رخ نداد (Schiller: 2011)، در همان دوره میانه‌روها باقی مانده است و نه عصر تندروها را تجربه کرد و نه ترمیدوری.

دوره‌های انقلاب در مصر

بعد از پیروزی انقلاب، حکومت‌های موقتی در مصر، اغلب ویژگی‌های حکومت میانه‌رو که توسط بریتون مطرح شده را داشتند. پس از مبارک، شورای عالی نظامی به ریاست ژنرال طنطاوی، مدیریت تحولات و امور کشور را برعهده گرفت. شورای عالی نظامی به سرکوب مردم دست نزد، تلاش نمود به مردم اطمینان دهد که خواست آنان را تحقق خواهد بخشید و زمینه برگزاری انتخاب آزاد را فراهم خواهد نمود. همچنین نظامیان با اتخاذ سیاست مامشات و همراهی با انقلاب، رویکردی را پیش گرفتند که کمترین تزاخم را با نیروهای انقلابی داشته باشند و در تحولات سیاسی، کمترین آسیب به آنها وارد شود. (هراتی، ۱۳۹۶: ۱۱۷)

نتایج انتخابات، همچنان که پیش‌بینی می‌شد، به سود اسلام‌گرایان بود و ائتلاف اتحاد دموکراتیک به رهبری حزب آزادی و عدالت، توانست ۲۳۵ کرسی (۴۷/۲٪) از مجموع کرسی‌های پارلمان را به‌دست آورد. در این میان، سهم حزب یاد شده حدود ۴۳٪ بود و متحدان آن ۲۲ کرسی را در چهارچوب اتحاد دموکراتیک به‌دست آوردند. به علاوه بیش از ۱۰ میلیون و ۱۳۸ هزار رأی‌دهنده به این ائتلاف رأی دادند. در این همه‌پرسی، اصلاحات مطرح شده با کسب موافقت ۷۷/۳ درصد رأی‌دهندگان، وارد مرحله اجرا شد. در این فاصله شورای نظامی، پارلمان ۲۰۱۰ مصر را منحل، قانون وضعیت فوق‌العاده را لغو و حزب دموکراتیک ملی را - با حکم دیوان عالی عدالت اداری - منحل کرد و در مجموع در راستای مطالبات معترضان گام برداشت. (احمدیان، ۱۳۹۱) اما نظامیان با رد صلاحیت کاندیدای اصلی جریان اخوان‌المسلمین، یعنی خیرات شاطر، تلاش نمودند تا مانع از پیروزی اسلام‌گرایان شوند. اخوانی‌ها نیز مرسی را به‌عنوان نامزد انتخاباتی معرفی کردند. در مقابل نظامیان، احمد شفیق را به‌عنوان نامزد خود در انتخابات معرفی کردند. در نهایت در یک رقابت نزدیک بین مرسی و شفیق، اولی به پیروزی رسید. (هراتی و ظفری، ۱۳۹۲: ۱۵۱)

اختلاف میان نیروهای انقلابی در مصر، یکی دیگر از ویژگی‌های انقلاب مصر است که با نظریه بریتون هم‌گرایی دارد. ارتش موفق شد تمام گروه‌های مقابل اسلام‌گرایان، به همراهی دو گروه اقلیت قبطی‌ها و صوفی‌های مصر و همه ساختارهای اداری این کشور را علیه دولت مرسی بسیج کند. در مدت ناآرامی‌های دو ماه، ارتش قادر نبود در مقابل موافقان مرسی بایستد، لذا سعی کرد به تقویت جبهه نجات ملی بپردازد. اقدام معارضین در این مقطع باعث تشدید فقر و توسعه ناامنی در مصر شد. (هراتی، ۱۳۹۶: ۱۱۸) در نتیجه در شبانگاه سوم ژوئیه ۲۰۱۳ ارتش مصر با ادعای حفظ انقلاب و جلوگیری از انحراف آن، قدرت را در دست گرفت و با دستگیری محمد مرسی و تعداد زیادی از افسران و رهبران اخوان‌المسلمین در مصر، تعلیق قانون اساسی و منحل نمودن مجلسین، عدلی منصور را به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت معرفی نمود. (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۸)

ویژگی دوره میانه‌روها در مصر این بود که آنان (نظامیان و اخوانی‌ها با پیروزی مرسی) شناخته شده و بلندپایه بودند و تنها از اینان انتظار می‌رفت که دولت را از دست رژیم پیشین بگیرند. میانه‌روها با دشمنان مسلح روبه‌رو نشدند و خود را در یک جنگ خارجی یا داخلی یا هر دو آنها درگیر نیافتند. همچنین میانه‌روها، گروه نیرومند و نافرمانی از ریشه‌گرایان و تندروها را در برابر خویش نیافتند که پیوسته می‌گفتند میانه‌روها می‌کوشند تا انقلاب را متوقف سازند و به سازش کشانند. ولی در نهایت میانه‌روهای اسلام‌گرا، از میانه‌روهای نظامی شکست خوردند.

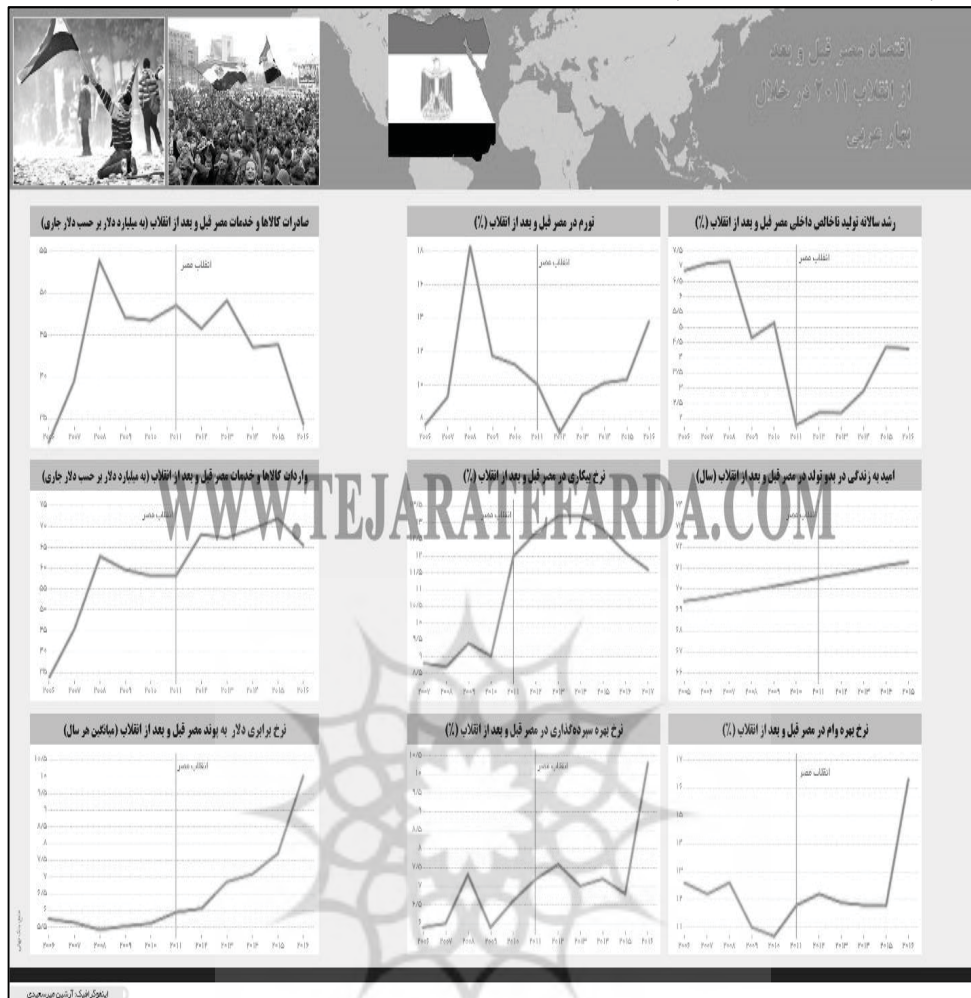
همچنین در این دوره، میانه‌روها با مشکلات اقتصادی مواجه شدند. نمودار زیر رتبه‌بندی فساد و نرخ بیکاری و سهولت فعالیت اقتصادی را بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که در هر سه شاخصه با رشد مواجه بوده است.

جدول (۳): میانگین رتبه‌بندی فساد، نرخ بیکاری و سهولت اقتصادی در مصر

سال	رتبه‌بندی فساد	نرخ بیکاری (%)	سهولت فعالیت اقتصادی
۲۰۱۰	۹۸ / ۱۷۵	۱۰٫۱	۱۱۰
۲۰۱۶	۱۰۸	۱۲٫۶	۱۲۲
میانگین ۱۹۹۶-۲۰۱۶	۸۴/۹۵	۱۰٫۸۹	۱۱۸٫۷۸

منبع: Tradingeconomics.com 5 / 16 / 17

شاخصه‌های اقتصادی صادرات و واردات کالا و خدمات؛ نرخ برابری دلار به پوند مصر؛ تورم؛ نرخ بیکاری؛ نرخ بهره سپرده‌گذاری؛ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی؛ امید به زندگی در بدو تولد و نرخ بهره وام در مصر قبل و بعد از انقلاب (۲۰۱۶ - ۲۰۰۶ م) به صورت نمودار به نمایش گذاشته شده است که در اکثر موارد با کاهش شاخصه‌های اقتصادی مواجه است. (www.tejaratefarda.com)



بنابراین در این انقلاب، به دلیل اوضاع بد اقتصادی و افزایش میزان بیکاری، شعارهای قبل از انقلاب همچنان ادامه دارد، به‌ویژه اینکه دولت مصر تلاش‌های خود را بر بازگردان امنیت در سایه اوضاع ناآرام منطقه، متمرکز کرده است. (www.tasnimnews.com)

در نتیجه این اتفاقات و طبق نظریه بریتون - که معتقد است انقلاب‌ها ترمیدور دارند و در نهایت به حالت قبل از انقلاب بازمی‌گردند - انقلاب مصر نیز بدون داشتن عصر تندروها و عصر وحشت به ترمیدور بازگشت یعنی استقرار یک دیکتاتوری مثل دیکتاتوری مبارک، به‌نظر گلدستون، انقلاب‌ها به‌طور معمول به دیکتاتوری یا دولت تک منجر می‌شوند (گلدستون، ۱۳۹۷: ۲۸۷) که این امر در انقلاب مصر اتفاق افتاد.

کابینه‌ای که توسط نظامیان و با توافق اکثر گروه‌های سیاسی سکولار و حزب سلفی نور تشکیل شد، بازگشت طرفداران وضع سابق مصر بود. (مرشی زاد و محمدی، ۱۳۹۷: ۶۹) ترمیدور انقلاب مصر، روی کار آمدن دیکتاتور السیسی است. در سال

۲۰۱۴ پس از کودتا علیه دولت منتخب، محمد مرسی، به‌عنوان رئیس‌جمهور مصر انتخاب شد. اما شرایط سیاسی بعد از انقلاب مصر، به‌مراتب بحرانی‌تر از روزگار مبارک شد؛ روی کار آمدن دیکتاتوری السیسی، بازگشت به همان وضعیت قبل از انقلاب بود. در این دوره، رقبا سیاسی یکی بعد از دیگری یا بازداشت شده یا تحت فشارهای آشکار از رقابت با ژنرال کناره‌گیری کردند. اخوان المسلمین به‌عنوان اصلی‌ترین بدیل سیاسی مصر، برخلاف گذشته که سهم اندکی از قدرت در پارلمان را در اختیار داشت، به‌عنوان سازمانی تروریستی در این کشور به حساب آمد. (روزنامه همشهری، ۵ بهمن ۱۳۹۶، کد خبر ۵۲۷۲) کودتای السیسی، دوران میانه‌روها را به پایان رساند و بدون وجود دوران تندروها و عصر وحشت، انقلاب مصر به ترمیدور رسید.

جدول (۴): دوره‌های انقلاب در کشورهای تونس و مصر

دوره‌های انقلاب	میانه‌روها	تندروها	عصر وحشت	ترمیدور
تونس	*	.	.	.
مصر	*	.	.	*

نتیجه

این مقاله نشان داد که همه موارد نشانه‌های مقدماتی انقلاب نظریه برینتون را می‌توان در انقلاب‌های تونس و مصر، مشاهده نمود. نخست آنکه در این دو مورد، پیش از فرار سیدین انقلاب، در مجموع از نظر اقتصادی رشد داشتند و بی‌گمان این انقلاب‌ها با مردم بینوا و گرسنه و بی‌چیز آغاز نگشته‌اند؛ بلکه جوانان انقلابی، محرک و عامل اصلی انقلاب بودند. دوم آنکه در این جوامع، اختلافات طبقاتی بسیار سخت و مشخص وجود داشت. در تونس و مصر، طبقه حاکم ثروتمند و در عین حال فاسد بر سریر قدرت بود و مطالبه نسل جوان برای کسب شأن و عزت اجتماعی، علت انقلاب بود. همچنین طبق نظریه برینتون این انقلاب‌ها به نام آزادی برپا شده بودند و همگی علیه خودکامگی اقلیت و به‌سود فرمانروایی اکثریت صورت گرفته بودند. در تونس، بن‌علی دیکتاتور و تاحدودی نیرومند، سرکوب‌گر، فاسد اما شخصیتی ضعیف، و در مصر حسنی مبارک دیکتاتور، فاسد با شخصیتی میانه‌رو در قدرت بودند. همچنین تونس و مصر با انقلاب خود، سقوط یک طبقه حاکم و جانشینی طبقه حاکم دیگری را به‌خود دیدند که دست‌کم از افرادی که پیش از انقلاب در بیرون طبقه حاکم قرار داشتند تشکیل شدند. در جوامع مورد بررسی تونس و مصر، تغییر بیعت روشنفکرانش وجود داشت. ۱۹ درصد جمعیت در تونس را جوانان تحصیل‌کرده بیکار و محروم از حق رأی و ۲۰ درصد جمعیت در مصر را جوانان ناراضی از بیکاری و تحرک اجتماعی پایین، تشکیل می‌دادند؛ اما در هر دو انقلاب جوانان نقشی نیرومند داشتند. حکومت دیکتاتور بن‌علی و حسنی مبارک، تاحدی به‌خاطر غفلت و تا اندازه‌ای به‌خاطر عدم توفیق در دگرگون ساختن نهادهای پیشین و نیز به‌دلیل رویارویی با شرایط جدید، ناکارا بودند و در مراحل پایانی انقلاب، به‌سوی انقلابیون روی آوردند. آنان کوشیدند از نیروهای نظامی برای جلوگیری از اوج گرفتن هیجان‌ها برای براندازی حکومت، استفاده کنند. اما در هر دو انقلاب ارتش به انقلابیون پیوست. مرحله اول دوره‌های انقلاب تونس و مصر، یعنی روی کار آمدن یک حکومت میانه‌رو، با نظریه برینتون هماهنگ بود. در تونس دو نیروی اصلی برای کسب قدرت وجود داشت که به‌نظر می‌رسد هر دو میانه‌رو بودند و در مصر مواضع ارتش و سپس ریاست جمهوری محمد مرسی از اخوان المسلمین، هر دو در طیف میانه‌روها قرار می‌گرفتند. اما انقلاب تونس، بدون داشتن دوران حکمرانی تندروها و عصر وحشت و ترمیدور بود و در همان دوره میانه‌روها باقی ماند و نه عصر تندروها را تجربه کرد و نه ترمیدوری داشت. درحالی که انقلاب مصر بدون تجربه عصر تندروها و دوره وحشت، ترمیدور را با روی کار آمدن دیکتاتور السیسی تجربه کرد.

منابع و مأخذ

- آلترمن، جان، آندرانیک میگرانیان، آلکسی مالاشنکو، سرگئی مارکدونو، سوفیان زموخو، دیمیتری سیز، مارک کاتز و توماس کاروترز، ۱۳۹۰، معنای بهار عربی برای روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، سایت دیپلماسی ایرانی.

۲. شیرازی ابوالحسن، حبیب‌الله، ۱۳۹۱، تأثیرات بهار عربی و انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز، پاییز، ص ۳۶ - ۹.
۳. احمدیان، حسن، ۱۳۸۹، دگرگونی‌های مصر: از انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ تا سقوط مبارک. <http://www.isrjournals.com>.
۴. احمدیان، حسن، ۱۳۹۰، انقلاب تونس: زمینه‌ها و پیامدها. <http://www.isrjournals.com>.
۵. احمدیان، حسن، ۱۳۹۰، خروج مصر از دوره انتقالی و چشم انداز پیش رو. <http://www.isrjournals.com>.
۶. احمدیان، حسن، ۱۳۹۰، مصر گام به گام به سوی انقلاب. <http://www.isrjournals.com>.
۷. احمدیان، حسن، ۱۳۹۱، آینده سیاسی مصر در پرتو انتخابات پارلمانی، <http://www.isrjournals.com>.
۸. برینتون، کرین، ۱۳۶۶، کالبد شکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، نشر نو، چ ۴.
۹. بیات، آصف، بی تا، انقلاب بی‌هنگام، برگردان فائقه طباطبایی: <https://meidaan.com/wp-content/uploads/2018/11/asef-bayat.pdf>
۱۰. پاک‌نیا، محبوبه و بهرننگ طاهری، ۱۳۹۵، «روند سیاسی شدن مسئله جنسیت در تونس و اثرات آن بر انقلاب ۲۰۱۱»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان، ص ۲۴ - ۱.
۱۱. پورسعید، فرزاد، ۱۳۹۰، «بررسی مقایسه‌ای انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان، شماره مسلسل ۵۲.
۱۲. حاضری، علی محمد، صدیقه نوه نجار، ۱۳۹۵، «بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی ایران و انقلاب نیکاراگوئه»، فصلنامه ژرفا پژوه، سال سوم، دفتر چهارم، زمستان، شماره پیاپی ۱۰، ص ۷۳ - ۴۱.
۱۳. حمیدی، صدیقه، ۱۳۹۰، نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب مصر، جامعه المصطفی العالمیه.
۱۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران: <http://www.irna.ir>.
۱۵. خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱، تونس، تداوم بی‌ثباتی داخلی تا حمله به سفارت آمریکا: <http://www.farsnews.com>.
۱۶. درخشه، جلال و محمدجواد هراتی، ۱۳۹۲، «مطالعه تطبیقی تأثیر نارضایتی انقلابی بر نظام‌سازی آینده انقلاب در ایران و مصر»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی، سال نهم، شماره ۱، پیاپی ۱۷، بهار و تابستان، ص ۱۸ - ۵.
۱۷. راه چمنندی، هادی و عبدالحسین کلانتری، ۱۳۹۲، «جایگاه امام خمینی در انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مراحل تحول انقلاب برینتون»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۶، بهار، ص ۲۶ - ۱.
۱۸. زکریا، فرید، ۱۳۸۴، آینده آزادی اولویت لیبرالیسم بر دموکراسی، ترجمه امیرحسین نوروزی، ویراستار خشایار دیهیمی، تهران، نشر طرح نو.
۱۹. شبان‌نیا، قاسم، ۱۳۹۱، «ارزیابی نظریه چرخش انقلاب‌ها و تطبیق آن بر انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه معرفت سیاسی، سال چهارم، شماره ۲، پاییز و زمستان، ص ۱۴۰ - ۱۲۳.
۲۰. طالبی، معصومه، ۱۳۹۱، بررسی تحلیلی رویدادهای سیاسی، اقتصادی - امنیتی تونس، دیپلماسی صلح عادلانه؛ مرکز مطالعات صلح.
۲۱. عظیمی دولت‌آبادی، امیر، ۱۳۹۵، «انقلاب‌های عربی: مطالعه تطبیقی - تاریخی (دلالت‌های نظری در باب نظریه‌های متأثر از انقلاب اسلامی)»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره دهم، شماره ۱، بهار، ص ۱۶۲ - ۱۳۷.
۲۲. فراست‌خواه، مقصود، ۱۳۹۰، نسل ششم در مصر: تحولات نوپدید در الگوی دین‌گرایی منطقه: <http://farasatkah.blogspot.com/1390/01/20/post-3>
۲۳. کاظمی، سید محمد موسی، ۸ خرداد ۱۳۹۰، تونس؛ جایی که سونامی از آنجا آغاز شد: <http://www.irdc.ir>
۲۴. کولایی، الهه و سعیده حضرت‌پور، ۱۳۹۳، «ریشه‌های داخلی و خارجی انقلاب ۲۰۱۱ تونس»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره دو، تابستان.

۲۵. کوهن، استانفورد، ۱۳۸۹، *تئوری‌های انقلاب*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر قومس، چ ۱۹.
۲۶. گروه نویسندگان، ۱۳۹۳، *مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه اسلام*، قم: انتشارات دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (علیهم‌السلام)، چ ۱.
۲۷. گلدستون، جک، ۱۳۸۵، *مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، نشر کویر، چ ۱.
۲۸. گلدستون، جک، ۱۳۹۷، «انقلاب»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ترجمه آسیه حایری یزدی، دوره ۷، شماره ۲۶، بهار، ص ۲۸۸ - ۲۵۳.
۲۹. مرشدی‌زاد، علی و سمیرا محمدی، ۱۳۹۷، «اواکوی دو انقلاب ایران و مصر در چشم‌اندازی مقایسه‌ای»، *فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی*، سال دوازدهم، شماره ۴۳، تابستان، ص ۷۲ - ۵۳.
۳۰. مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۷۵، «مروری بر نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۹.
۳۱. ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۹۴، «نگرشی به نظریه‌های انقلاب و نقد و ارزیابی آنها»، *دو فصلنامه علمی - تخصصی تحول در علوم انسانی*، دوره ۳، شماره ۴، بهار و تابستان.
۳۲. ملکوتیان، مصطفی؛ بقایی، خرم و هومن نیری، ۱۳۹۱، «گونه‌شناسی نظریه‌های انقلاب»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۱، بهار، ص ۳۴۹ - ۳۳۳.
۳۳. نجات، سید علی، ۱۳۹۴، «بررسی عوامل سرنگونی محمد مرسی و پیامدهای منطقه‌ای آن»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال ۲۲، شماره ۲، ص ۱۳۴ - ۱۰۷.
۳۴. نورمحمدی مرتضی و رقیه محمدی، ۱۳۹۲، «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در انقلاب مصر»، *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، بهار، دوره ۵، شماره ۱۴، ص ۱۶۲ - ۱۳۹.
۳۵. نیاکوئی، سید امیر، ۱۳۹۱، *کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب*، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۳۶. هراتی، محمدجواد و بهزاد قاسمی، ۱۳۹۳، «تفاوت جایگاه و نقش رسانه در انقلاب اسلامی ایران و تحولات ۲۰۱۱ مصر»، *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال ۳، تابستان، شماره ۹، ص ۱۸۶ - ۱۵۹.
۳۷. هراتی، محمدجواد و رحیم پاکزاد، ۱۳۹۷، «آزمون‌پذیری نظریه چالمرز جانسون با انقلاب‌های جهان اسلام (مطالعه موردی ایران و مصر و لیبی)»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)*، سال هفتم، شماره ۴، پیاپی ۲۸، زمستان، ص ۴۴ - ۲۵.
۳۸. هراتی، محمدجواد و روح‌الله مهدی‌زاده، ۱۳۹۷، «آزمون‌پذیری نظریه دولت رانتیر در انقلاب‌های جهان اسلام (مطالعه موردی ایران و مصر)»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، شماره دوم تابستان، ص ۸۰ - ۴۹.
۳۹. هراتی، محمدجواد، ۱۳۹۱، «تفاوت نقش و جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی ایران و جنبش بیداری اسلامی مصر»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، شماره ۲۸، بهار، ص ۲۵۲ - ۲۳۳.
۴۰. هراتی، محمدجواد، ۱۳۹۴، «مطالعه تطبیقی آزمون‌پذیری نظریه انقلاب هانتینگتون با انقلاب در ایران و مصر»، *دو فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
۴۱. هراتی، محمدجواد، ۱۳۹۶، *فرجام دو انقلاب (علل متفاوت شدن نتایج انقلاب‌های ایران و مصر)*، مرکز نشر دانشگاه بوعلی.
۴۲. هراتی، محمدجواد و محمود ظفری، ۱۳۹۲، «تفاوت نقش و جایگاه ارتش در فرآیند انقلاب اسلامی ایران و تحولات ۲۰۱۱ مصر»، *فصلنامه پژوهش نامه انقلاب اسلامی*، شماره ۸.

43. Achy, Lahcen, 2011, Tunisia's Economic Challenges. Carnegie Endowment for International Peace. <http://www.ciaonet.org.ezproxy.lib.ucf.edu/wps/ceip/0023949>.

44. Fuhrer N. Robert, 2012, *The Arab Spring in North Africa: a Comparative Study of Key Factors and Actors*, Bachelor of Arts in Political Science University of Central Florida, 2008. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in the Department of Political Science in the College of Sciences at the University of Central Florida Orlando, Florida Fall Term.
45. Gause, F. Gregory, July / August 2011, *Why middle east studies missed the Arab spring Foreign affairs*.
46. Goldston Jack A, May / June 2011a, *Understanding the Revolution of 2011*, [https:// foreignaffairs.com / articles / north-africa / 2011-04-14 / Understanding – Revolution](https://foreignaffairs.com/articles/north-africa/2011-04-14/Understanding-Revolution), 2011.
47. Goldstone, J.A., 2011b, Cross-class coalitions and the making of the Arab Revolts of 2011. *Swiss Political Science Review*, 17 (4), pp. 457-463.
48. Goldstone, Jack, 2001, "Toward a fourth generation of revolutionary theory", *Annual Review of Political Science*, Vol 4: 139-187.
49. Hellstrand, Anna, 2012, *Feminist Perspectives on the Egyptian Revolution*, Uppsala University, Department of Theology.
50. Maria Torelli Stefano, 2012, "The AKP Model" and Tunisia's Al-Nahda: From Convergence to Competition, *Insight Turkey*, Vol. 14, No. 3
51. Mourdoukoutas, Panos, 2017, "Arab Spring", In *Vain: Tunisia And Egypt Remain Corrupt*, www.forbes.com.
52. Osman Tarek, 2010, *Egypt on the Brink from Nassr to Mubarak*, Yale University press.
53. Schiller, Thomas, 2011, Tunisia, *A Revolution and Its Consequences Kas International Reports*.
54. Thorne, John, 2011, Pre-revolution Tunisians were growing gloomier, poll shows. The National (June 27) [http://www.thenational.ae/news/world/africa / pre-revolution-tunisians-were-growing-gloomier-pollshows](http://www.thenational.ae/news/world/africa/pre-revolution-tunisians-were-growing-gloomier-pollshows). (accessed September 15, 2012).
55. Tradingeconomics.com, 5/16/2017
56. Tunisia Violence. 2011. *The Middle East Reporter* (January 12).
57. Tunisian Economy 2012, The CIA World Factbook [https://www.cia.gov/library/publications / the worldfactbook/geos/ts.html](https://www.cia.gov/library/publications/the-worldfactbook/geos/ts.html) (accessed October 25, 2012)
58. www.tasnimnews.com
59. www.tejaratefarda.com





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی